توسعه ایرانی
روزنامه صبح
سیاسی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب امتیاز: موسسه اطلاع رسانی و خبرگزاری ایلنا
مدیر مسئول: مسعود حیدری
زیر نظر شورای سردبیری

چاپ: کارو کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷
نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه نرسیده به روانمهر، پلاک ۱۳۲
تلفن تحریریه: ۶۶۹۵۶۶۰۰(۰۲۱)
toseeirani.ir

نگاهی به نمایشگاه گروهی از هنرمندان نوگرای ایران در نگارخانه آریا

دغدغه‌های مردم‌نگاری هنرمندان نوگرای ایران

مجسمه. اثر ژازه طباطبایی

نقاشی . اثر هوشنگ پزشک نیا

بهروز فانقیان

نگارخانه آریا این روزها میزبان فصل اول نمایش مجموعه آثاری از هنرمندان نوگرای ایران با عنوان « ریشه‌ها»است. مراد از این نام‌گذاری اشاره به چهره‌هایی در هنر معاصر ایران است که شاید هر یک به نوبهٔ خود و به طریقی خاص وجوه مختلف هنرهای تجسمی نوین ایران را شکل داده‌اند. با این وجود بعضی اشتراک‌ها در دسته دستهٔ این هنرمندان نیز اشاره به رویکردهایی دارد که تا اندازه زیادی رنگ و بوی بومی و سرزمینی ما را در خود دارند. ارجاع و پی گرفتن فرهنگ عامه و فولکلور یکی از این وجوه است که به اشکال مختلفی در هنر نوگرای ایران جلوه‌های خود را پیدا کرده و حتی تا پدید آوردن جریان‌های قدرتمندی چون نقاشی سقاخانه‌ای هم پیش رفته است. واضح است که پرداختن به چنین رویکردی فرصتی بیشتر از این می‌طلبد، اما حضور سه نمایندهٔ شاخص بیان تصویری فرهنگ عامه و فولکلور در فصل اول نمایشگاه «ریشه‌ها» بهانه را برای بازخوانی گوشه‌هایی از این تجربه‌ها فراهم کرده است.

هوشنگ پزشک‌نیا و دغدغه‌ای پایدار در بازتاب فرهنگ عامه

محتوای مردم‌نگارانهٔ بخش قابل توجهی از آثار هوشنگ پزشک‌نیا، اعتنای ویژه‌ای را به این وجه از تجربه‌های هنری او می‌طلبد. این خصلت شاید نه به شکلی روشمند و متمرکز، اما در قالب دغدغه‌ای پایدار و البته در لایه‌های متعدد در نقاشی‌های او رخ نشان می‌دهد. این رویکرد طیف متنوعی از آثار او را شامل می‌شود؛ از پرتره و طبیعت بیجان تا دورنماها و چشم‌اندازهای شهری و روستایی. بخش عمده‌ای از جلوه‌های بصری هنر پزشک‌نیا را این روزها از خلال نقاشی‌هایی که در جنوب ایران خلق کرده (۱۳۲۵ تا ۱۳۳۷) به‌جا می‌آوریم، اما برخلاف این که جنبه‌های مردم‌نگارانه آثار او را معمولاً به تأثیرپذیری از این اقلیم نسبت می‌دهیم، پزشک‌نیا پیش از آن هم ، از جمله در پرتره «آ سید علی» (۱۳۲۱) ، که در درکه تهران رسم کرده، همچنین در تک‌چهره‌ای دیگر با عنوان « ملاّ»، بیشتر از آنکه در قید چهره‌پردازی و شخصیت‌سازی باشد، نشان می‌دهد که مشخصاً به چگونگی پوشش و آرایش سوژه متمرکز است.

واضح است که پزشک‌نیا به عنوان هنرمندی از نسل اول مدرنیست‌ها، حتی در پرداختن به این موضوعات هم بیان تصویری نوینی را جستجو می‌کند و این جستجوگری در بیان در کارهایش به یک مشخصه تبدیل می‌شود- اما پیشینه حضور او در مکتب کمال‌الملک هنوز رگه‌هایی از جهان‌بینی این مکتب را با خود دارد. پزشک‌نیا در نقاشی‌هایی چون « نمدمالی»، «مطرب‌ها»، همین‌طور در سری «پیرمرد» ها (۱۳۴۹) دغدغه‌های مردم‌نگارانه‌اش را در تداوم ناتورالیسمی از جنس «رمال» و «عمو صادق شیرازی» کمال‌الملک، اما در اجرایی تجربی پیش می‌برد. نقاشی آب مرکبی « وغ وغ ساهاب» پزشک‌نیا در ادامه همین تجربه‌های بصری شکل می‌گیرد؛ فروشنده دوره‌گرد اسباب‌بازی در پلان اول رو به روی ما و پشت سرش خیل کودکان مشتاق اسباب‌بازی‌ها، همه با پوست تیره و بر زمینه‌ای از معماری جنوب ایستاده‌اند.

گریگوریان بجز خلق آثاری با درونمایهٔ بومی به تحقیق در مورد هنرهای فولکلور ایران هم اهتمام می‌ورزد. او در ضمن، مقالاتی در مورد هنرمندان و این شیوه نوشت و کارهایشان را در نشریات چاپ کرد و از این طریق توجه مخاطبانش را به هنر بومی جلب کرد

مارکو گریگوریان؛ مدرنیستی دلبسته به مظاهر فرهنگ

مارکو گریگوریان دیگر هنرمند نوگرای ایران هم به لحاظ تجربه‌های تصویری دست کم در یک دوره شاخص از فعالیت هنری‌اش مشخصاً تحت تأثیر مظاهر به کار گرفته شده در زندگی روزمره مردم ایران قرار می‌گیرد. او با استفاده از مصالح متداول، به خلق آثاری با نان سنگک، دیزی و از این دست مظاهر فرهنگ بومی ایران می‌پردازد و این عناصر را تا آن اندازه اصالت می‌بخشد که در واقع به جای نقاشی کردن، این اشیاء را مستقیماً بر بوم‌هایش نصب می‌کند و به نمایش می‌گذارد. گریگوریان در این وجه از فعالیت‌های هنری‌اش تا آن اندازه جدیت داشت که به تحقیق در مورد هنرهای فولکلور ایران هم اهتمام می‌ورزد. او در ضمن، مقالاتی در مورد هنرمندان و این شیوه نوشت و کارهایشان را در نشریات چاپ کرد و از این طریق توجه عموم و دولت را به هنر بومی جلب کرد. سرانجام با گردآوری آثار این هنرمندان از شهرهای مختلف و قهوه خانه‌ها، نمایشگاهی در «خانه ایران در پاریس» برگزار کرد که سخت مورد استقبال قرار گرفت. خود مارکو می‌گفت: من همیشه در نوک پیکان «جریان نوگرا» بودم و علاقه‌مند به سنت و زندگی مردم ایران، چون همیشه ما از سنت به سمت نوگرایی می‌رویم. علاقه‌مندی گریگوریان به جنبه های مردم‌نگارانه در هنر های تجسمی حتا در سال‌های پایانی عمر ادامه پیدا می کند و در دهکده‌ای که در حوالی ایروان ارمنستان زندگی می‌کرد، کارگاه قالیبافی راه انداخت و طرح‌هایی را برای گلیم و قالی کار کرد.

ژازه طباطبایی؛ تعلق خاطری نامتعارف به فولکلوریک

ژازه طباطبایی دیگر هنرمند شاخص نوگرای ایران اما وجوهی دیگر از فرهنگ عامه را در آثارش بازتاب می‌دهد. او در آثارش با بهره از نقوش و فرم‌های سنتی ایرانی در کاشی‌های لعاب‌دار مساجد قرون هفتم و هشتم هجری شمسی پیکره‌های شیر زنان که بسیار صورتشان شبیه به زنان نقاشی‌های قاجاری است و استفاده از خورشید خانم در آثار نقاشی‌اش به نوعی شخصی‌سازی آگاهانه رسیده است. اما آنچه هنر ژازه را مشخصاً نشانه‌گذاری می‌کند مجسمه‌های او است؛ مجسمه‌هایی که نهفته در صنعت بودند؛ همچون دیوهایی خوابیده در غار که ژازه آن‌ها را از خواب بیدار کرده و به کالبد بی‌جانشان روح دمیده است.

پزشک‌نیا در نقاشی‌هایی چون «نمدمالی»، «مطرب‌ها»، همین‌طور در سری «پیرمردها» دغدغه‌های مردم‌نگارانه‌اش را در تداوم ناتورالیسمی از جنس «رمال» و « عمو صادق شیرازی» کمال‌الملک، اما در اجرایی تجربی پیش می‌برد. نقاشی آب مرکبی « وغ وغ ساهاب» پزشک‌نیا در ادامه همین تجربه‌های بصری شکل می‌گیرد

او با قطعات صنعتی مستعمل آثاری خلق کرد که یادآور گدایان و مطربان و روستاییان و ولگردان شهری هست؛ آدم‌هایی که در زندگی عادی با آنان مواجه هستیم.

در دسته بندی ها و سبک شناسی هنر مدرن ایران، چندان ساده نیست که آثار ژازه را به سبک مشخصی منسوب کنیم، گو اینکه برخی مورخان هنر او را به جنبش سقاخانه منسوب می کنند. استقلال فکری ژازه، پرهیز از کلیشه‌سازی و دوری از دیسیپلین‌ها، سبک‌ها و مرام‌های تعریف‌شده در مدرنیسم ایرانی، او را هنرمندی مستقل و دارای سبک شخصی معرفی کرده است. نقاشی‌ها و مجسمه‌های ژازه تعلق خاطر او را به ادبیات و هنر فولکلوریک ایران و نمادهایی چون شیر و خورشید و پرنده‌ها نشان می‌دهد. او از طریق به کارگیری سواد غریبه و غیرمتداول، آفرینش‌های خود را به حیطه مدرنیته می کشاند. هنرمند به استثنای معدودی آثار اولیه که انتزاعی و تجریدی هستند، علاقه چندانی به این امر نداشته و آثار وی متأثر از واقعیت جهان بیرونی و اطراف وی هستند و در بیشتر موارد حتی اشاراتی به حکایات و تصورات عامیانه و مردمی دارند.

یادداشت

به بهانه چیدمان رضا لواسانی در بی‌ینال ونیز

سفر به فراتاریخ

غزل طاهری

پاویون ایران در پنجاه و هشتمین بی‌ینال ونیز میزبان اثری از رضا لواسانی با عنوان «زندگی» است؛ عنوانی که شاید تا پیش از دیدن این اثر معنایی ساده و روزمره را در ذهن بنشاند اما پس از دیدار این چیدمان به مفهومی به شدت متناقض بدل می‌شود. «زندگی» از عناصر و اجزای ساده‌ای بهره می‌برد که شاید در نگاه اول چندان نامتعارف و ناآشنا به نظر نیایند اما فضا و تاثیری که این چیدمان بر آن مستولی می کند تامل برانگیز است. «زندگی» چیدمانی ساده از میز غذاخوری بزرگی است که در فضای گالری گسترده شده، به چپ و راست پیچیده و بخشی دیگر از آن هم در فضای گالری تفکیک شده و جدا مانده است. اشیای مختلفی بر روی میز پراکنده‌اند، شمعدان‌ها، ظروف غذاخوری، کارد و چنگال، میوه‌ها و اشیایی چون کبوترهای حجمی که البته در فضای روزمره جایشان اینجایی نیست که می‌بینیم. چلچراغ غول پیکری هم از سقف بر روی میز آویخته که فاقد هر گونه وسیله روشنایی بخشی است و بیشتر به وسیله‌ای برای تهدید و آزار می‌ماند. پراکندگی اشیا در روی میز چنان است که گویی ساکنین احتمالی این مکان در پی حادثه‌ای رعب انگیز با عجله و سراسیمه هر چه در دست داشته رها کرده و به سویی گریخته‌اند. ظرف‌های واژگون و میوه‌های غلتیده چنان در سطح میز چیده شده‌اند که گویی اتفاقی صاعقه آسا مجال هر گونه تامل و درنگ را از ساکنین گرفته و آن‌ها را به گریزی پرشتاب وادار کرده است. صحنه از حضور انسان به کلی خالی است. درست مثل صحنه نمایشی که به پایان رسیده و بازیگران هر یک به خانه و کاشانه خود بازگشته‌اند تا شبی دیگر و اجرایی دیگر. هر چه باشد صحنه‌ای که این چیدمان پیش روی بیننده می گذارد، حکایت از تراژدی تلخی دارد که تا انتها هم نامعلوم و ناگشوده باقی می‌ماند و بر خلاف درامی با آغاز و پایانی مشخص که در یک اجرای نمایشی ممکن است با آن روبرو شویم در اینجا هیچ پرسشی را پاسخ نیست. رنگ آمیزی مونوتون چیدمان در فضایی خاکستری و خاموش هم بر سنگینی فضا افزوده و اتمسفری به شدت یاس آمیز و ناامید کننده را در ذهن مخاطب نشانه گذاری می کند.

«زندگی» سفری به فراتاریخ است. جایی که زمان با حضوری یگانه و قائم به ذاتش بر همه چیز حکمرانی می کند. شاید هم این مرگ و نیستی است که خود را در کالبدی به وسعت جهان نشانده و راه را بر هر تاویل و تفسیر دیگری از آنچه رخ داده می‌بندد. صحنه چیدمان «زندگی» می‌تواند روایتی از انقراض نوع انسان هم باشد. به نظر می‌رسد نیستی بالاخره توفیق یافته سایه‌اش را بر تمام جهان بگستراند و امکان هر گونه حیات و زندگی را تا زمانی نامعلوم متوقف کند.

لواسانی در این اثر شاید معرفت‌شناسی فلسفه مدرن را به زیر سوال می برد که در آن تجربه امری فردی و ذهنی فرض شده است. او تجربه را در شکل اصیل و اولیه‌اش، تجربه افرادی که مجهز به حواس و توانایی های ذهنی هستند تا با جهان بیرونی تماس برقرار کنند نمی داند، بلکه از سوژه تجربه کننده و ابژه تجربه شده فراتر می رود و فرد را برآیند آن می داند نه بالعکس. وقتی شخص مستقیماً حالات آگاهی خودش را تجربه می کند دیگر نه سوژه‌ای هست و نه ابژه‌ای.

چنان که چیدمان «زندگی» نشان می دهد؛ تجربه ناب نه تنها صورت اصلی هر تجربه حسی و هر تجربه عقلانی است بلکه صورت بنیادین واقعیت است و خودآگاهی را نیز حاصل همین تجربه ناب باید به حساب آورد. اینکه؛ صورتی از آگاهی وجود دارد که باطناً در درون خودش به خودش می‌اندیشد یا خود را مثل آیینه در خودش

منعکس می سازد. به سخن دیگر، ذهن از طریق تصورات جهان را در خود بازنمایی می کند و این امر منجر به مساله غامض ثنویت می شود. اینکه بگوییم جهان خودش را در هر چیز همچون آیینه نشان می دهد، یعنی هر چه در جهان هست آیینه‌ای از جهان است. به این معنا این جهان است که از خودش آگاه است و هیچ راه برون رفتی از آن نیست. مفهوم عدم به طرزی محسوس در چیدمان «زندگی» جاری است. عدمی که در حقیقت غیبت کیفیت، تقسیم‌بندی و مفهوم است. به این معنی که ما انسان‌ها وجودی خاص یا وجود جزئی نیستیم بلکه ما همه چیز هستیم. در این اثر مطلق بودن عدم به معنای فراتر بودن از هر نوع مفهوم و جهان و انسان است و واقعیت را «عدم مطلق» پنداشتن به معنای آن است که واقعیت در معرض تقابل وجود و ناوجود است. اما این عدم مطلق را چگونه درک می کنیم؟

اشیا در این مجموعه به شخصیت و حضوری مستقل دست پیدا می کنند که در مجالی که معلوم نیست چقدر طول خواهد کشید دست به کار کشف و آفرینش لحظه‌هایی شوند که پیش از این برایشان مقدر نبوده است. مصنوعات و دست ساخته‌های بشری در ترکیب‌بندی‌های اثار این نمایش حضوری مسلط پیدا کرده‌اند. آنچه از انسان در این چشم‌انداز ها باقی مانده تنها یادواره‌هایی از فعالیت‌های روزمره و یادبودهایی از اجتماع‌هاست که اکنون بی‌اثر و غیر قابل بازیابی رها شده‌اند.

بوم خبر

برپایی یازدهمین نمایشگاه عکس‌های برتر سال دوربین.نت

یازدهمین نمایشگاه عکس‌های برتر سال دوربین.نت که پیش از این به دلیل اعمال سلیقه‌های مدیریتی و حذف ۱۲۲ عکس از ۳۴۸ فریم نمایشگاه واقع در باغ موزه قصر کنسل شد، پس از واکنش جامعه عکاسی ایران به تحمیل نگاه‌های غیر تخصصی، با نمایش تمامی عکس‌ها بر دیوار نمایشگاه فرهنگسرای نیاوران برگزار می‌شود.

یازدهمین نمایشگاه عکس‌های برتر سال دوربین.نت با مشارکت بنیاد آفرینش‌های هنری نیاوران و آژانس عکس تهران در فرهنگسرای نیاوران برگزار می‌شود.

این نمایشگاه در حالی عصر جمعه ۱۱ مردادماه کار خود را آغاز کرد که قرار بود ۲۸ تیرماه در گالری «مارکوف» باغ موزه قصر گشایش یابد اما بنا بر اعلام مسئولان این رویداد برای جلوگیری از اعمال سلیقه مدیران این باغ موزه لغو شد.

این نمایشگاه قرار بود همراه با مراسم پانزده سالگی جشنواره دوبین.نت آغاز به کار کند ولی طبق خبری که در صفحات مجازی این نمایشگاه و دبیر بخش عکس این رویداد آمده است، این نمایشگاه به دلیل اعمال سلیقه مدیران باغ موزه قصر و حذف ۱۲۲ فریم عکس از ۳۴۸ فریم عکس این نمایشگاه، از سوی مدیران جشنواره لغو شد.

دست اندرکاران جشنواره دوربین.نت در آن شرایط اعلام کرد که برای پرهیز از اعمال سلیقه‌های مدیران فرهنگی و تحمیل این سلیقه‌ها، ترجیح داده‌اند، نمایشگاه را علیرغم همه زحماتی که برای آن کشیده شده است، لغو کنند تا اجازه حذف این عکس‌ها را بر اساس سلیقه این مدیران ندهند.

پس از اعلام انصراف این رویداد از طرف احسان رافتی مدیر عامل آژانس عکس دوربین.نت بیشتر جریان‌های عکاسی ایران در کنار حجم عظیمی از عکاسان مستقل به عملکرد سلیقه ای مدیران باغ موزه قصر اعتراض نشان دادند و عکس‌های حذف شده را با پرسش «این عکس‌ها مورد دارند!» در شبکه‌های اجتماعی و سایت‌ها به نمایش گذاشتند که با دیدن عکس‌های عادی و فضاهای بدیهی که در نمایشگاه حذف شدند، واکنش عمومی مخاطبان برای مخالفت با تحمیل نگاه‌های سلیقه ای به راه افتاد.

یازدهمین نمایشگاه عکس‌های برتر به صورت غیر رقابتی بوده و نهایت ۳۰۰ فریم از عکس‌های ارسالی و از هر عکاس یک فریم عکس در نمایشگاهی در تهران و شهرهای منتخب روی دیوار می‌رود و بعد از آن در سایت و کتاب نمایشگاه منتشر خواهد شد.

در نهایت همانطور که مدیران جشنواره عکس دوبین.نت پیش‌تر اعلام کردند که تلاش می کنند تا این نمایشگاه با کمترین عکس حذف شده به زودی امکان برگزاری پیدا کند موفق شدند با همکاری بنیاد آفرینش‌های هنری نیاوران ۳۴۸ فریم عکس منتخب سال ۹۷ از ۳۴۸ عکاس را در اندازه ۴۰ در ۳۰ سانتیمتر به نمایش درآورند که مراسم افتتاحیه این رویداد جمعه ۱۱ مردادماه در محل فرهنگسرای نیاوران خواهد بود. در این دوره ۹۶۲ عکس برای به دبیرخانه نمایشگاه ارسال شد که در نهایت ۳۴۸ فریم عکس، توسط ۸ تیم هیات انتخاب شامل عکاسان، خبرنگاران، گرافیست‌ها و ادیتورهای عکس، برگزیده و انتخاب شد.

عکاس پوستر یازدهمین نمایشگاه عکس‌های برتر سال دوربین.نت مجید حجتی است و قرار است آثار به نمایش در آمده در این نمایشگاه در ۸ شهر ایران نیز به نمایش گذاشته شوند. شایان ذکر است آیین افتتاحیه یازدهمین نمایشگاه عکس‌های برتر سال دوربین.نت جمعه ۱۱ مردادماه برگزار شد و نمایشگاه تا جمعه ۲۵ مردادماه ۹۸ دایر خواهد بود. حضور تمامی علاقمندان برای بازدید از نمایشگاه آزاد است. علاقمندان می توانند جهت بازدید از این نمایشگاه در روزهای عادی از ساعت ۱۰ الی ۲۱ و در روزهای تعطیل از ساعت ۱۴ الی ۲۱ به فرهنگسرای نیاوران به نشانی انتهای خیابان پاسداران، روبه روی پارک نیاوران مراجعه کنند.